

- ۱ با توجه به مباحث معرفت‌شناسی، کدام عبارت درست است؟
- ۱ هنگامی که فیلسوفی درباره موضوعاتی مانند هستی و وجود می‌اندیشد، لاجرم درباره خود اندیشیدن نیز دیدگاهی دارد.
- ۲ توجه ویژه کانت به مباحث معرفت‌شناسی موجب شد بخش معرفت‌شناسی فلسفه به صورت شاخه مستقلی درآید.
- ۳ اینکه ما متوجه می‌شویم بعضی از دانسته‌های مان خطا بوده است، نشان‌دهنده بی‌اعتباری معرفت بشری است.
- ۴ انسان با حس خود صرفاً محسوسات و عالم ماده را و با عقل خود فقط امور غیرمادی و نامحسوس را می‌شناسد.
- ۲ این گزاره که «حس می‌تواند تفاوت‌ها و تمایزها را بشناسد» مربوط به کدام حوزه معرفت‌شناسی است و شک در چه زمینه‌ای امکان‌پذیر است؟
- ۱ قلمرو شناخت - امکان رسیدن به شناخت
- ۲ قلمرو شناخت - توانایی شناخت برخی امور
- ۳ ارزش شناخت - توانایی شناخت برخی امور
- ۴ ارزش شناخت - امکان رسیدن به شناخت
- ۳ با توجه به مباحث معرفت‌شناسی، کدام گزینه نادرست است؟
- ۱ با توجه به روشن بودن معنا و مفهوم شناخت، می‌توان گفت که درباره آن هیچ ابهامی نمی‌تواند وجود داشته باشد.
- ۲ اگرچه امکان معرفت یک امر بدیهی و روشن است اما گاهی همین امر بدیهی، در گذشته و حال، انکار شده است.
- ۳ گاهی ممکن است در مورد یک موضوع واحد، دو نظر وجود داشته باشد و هر دوی آن‌ها غلط و نادرست باشد.
- ۴ شناخت ما از جهان و خود، بسیار محدود است و حقایق فراوانی وجود دارند که آن‌ها را نمی‌دانیم و نمی‌شناسیم.
- ۴ «رشد بیشتر» و «استقلال» شاخه‌ی معرفت‌شناسی، به ترتیب تحت تأثیر کدام عوامل رخ داده است؟
- ۱ ظهور دیدگاه‌های گوناگون - طرح پرسش‌های جدی و جدید
- ۲ توجه خاص کانت - پرداختن فیلسوفان بیشتری به آن
- ۳ طرح پرسش‌های جدی و جدید - توجه خاص کانت
- ۴ توجه ویژه کانت - طرح پرسش‌های جدی و جدید
- ۵ این موضوع که ما متوجه خطای خود می‌شویم؛ به کدام پرسش پاسخ می‌دهد؟
- ۱ حدود و قلمرو شناخت‌های ما چقدر است؟
- ۲ چگونه می‌توانیم خطا را از حقیقت تشخیص دهیم؟
- ۳ شناخت‌های ما تا چه حد با واقعیت مطابقت دارند؟
- ۴ آیا ما می‌توانیم نسبت به موجودات جهان آگاهی پیدا کنیم؟

۶ کدام گزینه درست است؟

- ۱ شک مطلق یعنی شک در اصل دانستن، و نه دانسته‌ها
 - ۲ شک مطلق یعنی شک در توانایی برخی دانسته‌ها و دانستن‌ها
 - ۳ شک مطلق یعنی شک در اصل دانستن و برخی دانسته‌ها
 - ۴ شک مطلق یعنی شک در اصل دانستن و همه‌ی دانسته‌ها
- ۷ کدام مورد، عبارت روبه‌رو را به درستی کامل نمی‌کند؟ «هرگاه شخصی»

- ۱ بداند که خطا می‌کند، پس توانایی رسیدن به حقیقت را دارد.
- ۲ اصل دانستن را انکار کند، باید حقیقت و خطا نزد او یکسان باشد.
- ۳ در اصل دانستن شک کند، هیچ دانشی در ذهن او شکل نمی‌گیرد.
- ۴ تصور کند که نمی‌تواند شناخت‌هایش را منتقل کند، نباید سخن بگوید.

۸ کدام عبارت درست است؟

- ۱ در گذشته مباحث معرفت‌شناسی در ضمن مباحث فلسفی طرح می‌شد، اما امروزه به صورت شاخه‌ی مستقلی درآمد است.
- ۲ معنای «نمی‌دانم» سقراط این است که انسان نمی‌تواند به علمی که مطابق با واقع باشد، دست یابد.
- ۳ به عقیده‌ی گریگاس، انسان می‌تواند بشناسد، اما نمی‌تواند آن را به دیگران بیاموزد و منتقل کند.
- ۴ اندیشمندان و متفکران قبل از سقراط به موضوعات معرفت‌شناسی توجهی نداشتند.

۹ اگر معتقد باشیم می‌توان به مقدمه‌ای امر کرد اما نتیجه‌اش را ممنوع دانست، مثل این است که معتقد باشیم

- ۱ صورت فلسفه‌ی اسلامی از فلسفه یونان گرفته شده، اما محتوا در متن خود اسلام است.
- ۲ دین مباحث و موضوعات فلسفی را به زبان دیگری مطرح کرده، اما محتوا فلسفی است.
- ۳ جهان‌شناسی اسلامی با معرفت فلسفی هم‌افق است، اما تفکر از واجبات شرعی نیست.
- ۴ برای فهم فلسفه‌ی اسلامی باید فلسفه‌ی یونان را فهمید، اما این کار به‌تنهایی کافی نیست.

۱۰ چرا حکما معتقدند که شکاک واقعی وجود ندارد؟

- ۱ زیرا اصل واقعیت مستقل از ذهن نه اثبات شدنی است نه انکار شدنی.
- ۲ چون هیچ‌کس نیست که در مقابل گرسنگی یا ضرب و شتم اقدامی نکند.
- ۳ به‌دلیل اینکه شکاکیت، مرز جدایی فلسفه از سفسطه است.
- ۴ به‌خاطر اینکه یقین در شناخت، متناقض با شکاکیت است.

۱۱) کدام یک از پرسش‌های زیر نسبت به بقیه بنیادی‌تر و اساسی‌تر است؟

- ۱) آیا جامعه اصیل است یا فرد اصیل است؟
- ۲) آیا ارزش‌های اخلاقی تابع شرایط تغییر می‌کنند؟
- ۳) آیا می‌توان برای سیر تاریخ بشر قوانینی را کشف کرد؟
- ۴) آیا انسان می‌تواند اشیا را همان‌گونه که هستند بشناسد؟

۱۲) کدام عبارت در مورد امکان شناخت و مسائل مربوط به آن، قابل پذیرش است؟

- ۱) رفتار انسان با موجودات جهان، نشان می‌دهد که قدرت شناخت خود را باور دارد.
- ۲) شناخت، امری امکان‌پذیر است؛ پس چیزی وجود ندارد که بشر قادر به شناخت آن نباشد.
- ۳) این باور که انسان نمی‌تواند به همه خصوصیات موجودات دست یابد، نسبت شناخت را در پی دارد.
- ۴) تفاوت میان شناخت افراد از یک موضوع، نشان می‌دهد که شناخت هرکس، نسبت به خودش معتبر است.

۱۳) کدام گزینه در تبیین گزاره زیر صحیح است؟

«انسان نمی‌تواند اشیا را همان‌گونه که هستند بشناسد.»

- ۱) لزوماً بیانگر نظر سوفیست‌ها است که از منکران شناخت بودند.
- ۲) نمی‌تواند نظر هیچ سوفیستی باشد، چون وجود واقعیت خارجی را می‌پذیرد.
- ۳) با پذیرش چنین گزاره‌ای نمی‌توان تبیین امکان شناخت را امری پذیرفته دانست.
- ۴) انکار ضرورت تطابق شناخت با واقعیت بیرونی لزوماً به معنای انکار امکان شناخت نیست.

۱۴) کدام گزاره حیطه‌های بیشتری از معرفت‌شناسی را دربر می‌گیرد؟

- ۱) انسان می‌تواند امور محسوس و قابل تجربه حسی را بشناسد.
- ۲) شناخت انسان می‌تواند خطا و اشتباه باشد.
- ۳) انسان نمی‌تواند اشیا را همان‌گونه که هستند، بشناسد.
- ۴) انسان علاوه بر امور محسوس، امور نامحسوس را هم می‌تواند بشناسد.

۱۵) به ترتیب، درستی یا نادرستی عبارتهای زیر در کدام گزینه به درستی بیان شده است؟

(الف) ما می‌دانیم که شناخت ما نامحدود است.

(ب) شناخت، پدیده‌ای تدریجی است.

(ج) ایمانوئل کانت، فیلسوف قرن هفدهم آلمان و از بزرگ‌ترین فلاسفه اروپاست.

- ۱) ص - ص - ص ۲) غ - ص - غ ۳) ص - غ - غ ۴) غ - ص - ص

۱۱) کدام یک از پرسش‌های زیر نسبت به بقیه بنیادی‌تر و اساسی‌تر است؟

- ۱) آیا جامعه اصیل است یا فرد اصیل است؟
- ۲) آیا ارزش‌های اخلاقی تابع شرایط تغییر می‌کنند؟
- ۳) آیا می‌توان برای سیر تاریخ بشر قوانینی را کشف کرد؟
- ۴) آیا انسان می‌تواند اشیا را همان‌گونه که هستند بشناسد؟

۱۲) کدام عبارت در مورد امکان شناخت و مسائل مربوط به آن، قابل پذیرش است؟

- ۱) رفتار انسان با موجودات جهان، نشان می‌دهد که قدرت شناخت خود را باور دارد.
- ۲) شناخت، امری امکان‌پذیر است؛ پس چیزی وجود ندارد که بشر قادر به شناخت آن نباشد.
- ۳) این باور که انسان نمی‌تواند به همه خصوصیات موجودات دست یابد، نسبت شناخت را در پی دارد.
- ۴) تفاوت میان شناخت افراد از یک موضوع، نشان می‌دهد که شناخت هرکس، نسبت به خودش معتبر است.

۱۳) کدام گزینه در تبیین گزاره زیر صحیح است؟

«انسان نمی‌تواند اشیا را همان‌گونه که هستند بشناسد.»

- ۱) لزوماً بیانگر نظر سوفیست‌ها است که از منکران شناخت بودند.
- ۲) نمی‌تواند نظر هیچ سوفیستی باشد، چون وجود واقعیت خارجی را می‌پذیرد.
- ۳) با پذیرش چنین گزاره‌ای نمی‌توان تبیین امکان شناخت را امری پذیرفته دانست.
- ۴) انکار ضرورت تطابق شناخت با واقعیت بیرونی لزوماً به معنای انکار امکان شناخت نیست.

۱۴) کدام گزاره حیطه‌های بیشتری از معرفت‌شناسی را دربر می‌گیرد؟

- ۱) انسان می‌تواند امور محسوس و قابل تجربه حسی را بشناسد.
- ۲) شناخت انسان می‌تواند خطا و اشتباه باشد.
- ۳) انسان نمی‌تواند اشیا را همان‌گونه که هستند، بشناسد.
- ۴) انسان علاوه بر امور محسوس، امور نامحسوس را هم می‌تواند بشناسد.

۱۵) به ترتیب، درستی یا نادرستی عبارتهای زیر در کدام گزینه به درستی بیان شده است؟

الف) ما می‌دانیم که شناخت ما نامحدود است.

ب) شناخت، پدیده‌ای تدریجی است.

ج) ایمانوئل کانت، فیلسوف قرن هفدهم آلمان و از بزرگ‌ترین فلاسفه اروپاست.

- ۱) ص - ص - ص ۲) غ - ص - غ ۳) ص - غ - غ ۴) غ - ص - ص

۲۲ کدام گزینه در ارتباط با عبارت زیر صحیح است؟
«نیوتون با رابرت هوک بر سر کشف قوانین سه‌گانه‌ی حرکت اختلاف داشت. مدارک تازه به‌دست‌آمده نشان می‌دهد حق با هوک بوده است.»

۱ علت وجود خطا در شناخت، نظرها و باورهای متعدد در «موضوعات واحد» است.

۲ شناخت موارد نامحسوس، حاکی از توانایی شناخت و معرفت در انسان است.

۳ با رشد تدریجی دانش، لزوماً خطاهای شناختی در انسان آشکار نمی‌شود.

۴ تدریجی بودن شناخت در انسان سبب آشکار شدن برخی خطاهای ذهنی می‌شود.

۲۳ اگر باور داشته باشیم که می‌توان فقط امور محسوس و قابل تجربه‌ی حسی را شناخت، نتیجه‌ی این باور ما مستقیماً کدام گزینه است؟

۱ نه تنها اصل معرفت را قبول کردیم بلکه حتی توانستیم محدوده‌ی شناخت را معین کنیم.

۲ مجهولات ما در مقابل آموخته‌ها و دانسته‌هایمان، هیچ‌گاه چیز قابل توجهی نخواهند بود.

۳ ناخواسته اصل امکان شناخت را انکار کرده و توانایی دانستن را مورد تردید قرار داده‌ایم.

۴ یقیناً قبول داریم که راهی برای تشخیص درستی یا نادرستی نظرات مختلف وجود ندارد.

۲۴ تکامل دانش بشر درباره‌ی کیهان و سیاره‌ها با قبول کدام مورد هماهنگ نیست؟

۱ انسان از طریق پی بردن به اشتباهات گذشتگان و رفع آن‌ها همواره تلاش می‌کند که دانش خود را تقویت کند.

۲ بشر به طور طبیعی به امکان شناخت باور دارد و وجود اشتباه را به معنای ناتوانی در کسب معرفت تلقی نمی‌کند.

۳ انسان موجودی است که می‌داند هر چه بیشتر تلاش کند، بیشتر می‌تواند به حقایق فراوانی از پدیده‌های جهان دست یابد.

۴ امروزه بشر برخلاف گذشته دیگر نمی‌تواند نمونه‌هایی از پیشرفت دانش را بیابد که با تکمیل دانش قبلی صورت گرفته است.

۲۵ کدام گزینه موارد مرتبط با شناخت محسوس را به درستی مشخص کرده است؟

الف) همه‌ی پدیده‌های جهان مادی

ب) پدیده‌هایی که با حس لامسه قابل درک هستند.

ج) پدیده‌هایی که با حواس پنج‌گانه یا ابزارهایی حسی قابل درک نیستند.

د) پدیده‌هایی که ابزار مادی برای شناخت آنان کاربرد ندارد.

هـ) اشعات رادیواکتیو و فرکانس‌های رادیویی

و) روح و فرشتگانی نظیر جبرئیل و عزرائیل

۴ د - ه - و

۳ ب - ج - ه

۲ الف - ج - د

۱ الف - ب - ه

- ۱ گزینه ۱ پاسخ صحیح است. توجه ویژه کانت به شناخت سبب شد که شاخه معرفت‌شناسی فلسفه رشد بیشتری بکند. در گذشته برخی از مباحث معرفت‌شناسی در ضمن مباحث فلسفی طرح می‌شد، اما امروزه به علت طرح پرسش‌های جدی و جدید درباره معرفت و ظهور دیدگاه‌های گوناگون، این بخش از فلسفه به صورت شاخه مستقلی درآمده است. هر چند انسان گاهی در شناخت و معرفت دچار خطا می‌شود، ولی باز هم معتقد است که معرفت امکان‌پذیر و معتبر است.
- ۲ گزینه ۳ پاسخ صحیح است. یکی از نشانه‌های ارزش و اعتبار شناخت حسی، توانایی حس در شناخت تفاوت‌ها و تمایزهاست. پس این گزاره به ارزش و اعتبار شناخت اشاره دارد. هم معنای شناخت و هم امکان شناخت برای هر انسانی، روشن است و شکاکیت مطلق امکان‌پذیر نیست هر چند در توانایی انسان برای شناخت برخی امور می‌توان شک کرد.
- ۳ گزینه ۱ پاسخ صحیح است. درست است که معنای شناخت و معرفت روشن است و نیازی به تعریف ندارد اما ممکن است در لفظ آن ابهامی وجود داشته باشد که آن ابهام با بیان حداکثر یک معادل، حل می‌شود. سایر گزاره‌ها با توجه به مطالب مطرح شده در درس ششم کاملاً درست هستند.
- ۴ گزینه ۴ پاسخ صحیح است. توجه ویژه کانت به شناخت، سبب شد که شاخه معرفت‌شناسی فلسفه رشد بیشتری کند و فیلسوفان بیشتری به آن بپردازند. در گذشته برخی از مباحث معرفت‌شناسی در ضمن مباحث فلسفی طرح می‌شد، اما امروزه به علت طرح پرسش‌های جدی و جدید درباره معرفت و ظهور دیدگاه‌های گوناگون، این بخش از فلسفه به صورت شاخه مستقلی درآمده است. کتاب یازدهم، درس ششم ص ۴۶
- ۵ گزینه ۴ پاسخ صحیح است. همین که متوجه خطای خود می‌شویم، یعنی شناخت صحیح را نیز یافته‌ایم (و الا نمی‌فهمیدیم که شناخت قبلی ما خطا بوده است). پس درک خطا به معنای امکان شناخت و کسب آگاهی نسبت به موجودات جهان است.
گزینه ۱: ممکن است به خطای خود پی ببریم ولی همچنان از حدود و قلمرو شناخت خود بی‌اطلاع باشیم.
گزینه ۲: چگونگی تشخیص خطا از حقیقت، بحث مجزایی می‌طلبد و با صرف متوجه یک یا چند خطای شناختی شدن، نمی‌توان آن را دریافت.
گزینه ۳: اینکه متوجه خطا شویم، اجمالاً نشان می‌دهد به حقیقتی هم رسیده‌ایم ولی این سؤال که شناخت‌های ما تا چه حد با واقعیت مطابقت دارند، سؤال دقیق‌تری است که نیاز به بررسی‌های معرفت‌شناختی دارد.
- ۶ گزینه ۴ پاسخ صحیح است.
شک مطلق به معنای شک در اصل دانستن و همه‌ی دانسته‌ها است که در واقع امکان‌پذیر نیست. زیرا اگر کسی چنین نظری داشته باشد، گرفتار تناقض شده است.
در گزینه ۱ شک مطلق شامل همه دانسته‌ها می‌باشد.
گزینه ۲ شک در توانایی برخی دانسته‌ها و دانستن‌ها یک شک طبیعی است و غیر از شک در امکان اصل شناخت است.
گزینه ۳ شک در اصل دانستن به بخشی از شک مطلق اشاره دارد.
- ۷ گزینه ۳ پاسخ صحیح است. اگر کسی در اصل دانستن شک کند و بگوید که: «هیچ شناختی ممکن نیست» در واقع حرف خود - متناقضی زده و با این حرفش، خودش خودش را نقض می‌کند؛ به این خاطر که همین که بگوییم: «هیچ شناختی ممکن نیست» خودش یک شناخت است و بنابراین گزینه ۳ نمی‌تواند این عبارت صورت سؤال را به درستی کامل کند.
- ۸ گزینه ۱ پاسخ صحیح است. دانشمندان و متفکران پیش از سقراط، از اولین کسانی بودند که درباره شناخت انسان و ارزش و اعتبار آن نظر داده‌اند؛ مانند هراکلیتوس و پارمنیدس. از نظر سوفیست‌ها انسان نمی‌تواند به شناختی که مطابق با واقع است، دست یابد. یکی از این سوفیست‌ها گریاس بود که می‌گفت اولاً هیچ چیز وجود ندارد، ثانیاً اگر هم وجود داشته باشد، قابل شناخت نیست و اگر هم برای انسان قابل شناخت باشد، نمی‌تواند آن را به دیگری بیاموزد و منتقل نماید.

- ۹ گزینه ۳ پاسخ صحیح است. اینک به مقدمه‌ای امر شود اما نتیجه‌اش ممنوع باشد، مثل این است که دین با وجود اینکه جهان‌شناسی هم‌افق با معرفت فلسفی است و بدین جهت مهبیای تبیین عقلانی است خودش به تفکر عقلانی دعوت می‌کند، اما تفکر را حرام اعلام کرده و از واجبات شرعی نداند.
- ۱۰ گزینه ۲ پاسخ صحیح است. هر انسانی که دچار فلج ذهنی نباشد طبعاً به بدهات (اثبات شدنی و انکار شدنی نبودن) این اصل حکم می‌کند، به همین جهت حکما گفته اند شکاک واقعی وجود ندارد. در واقع، بدهات این اصل به دلیل این است که کسی در عمل توانایی انکار آن را ندارد، اما در نظر می‌تواند آن را انکار کند. یعنی شکاک‌ترین شکاکان نیز در عمل و مسیر زندگی ناچار از واقع بینی‌اند و نمی‌توانند آن را انکار کنند. شکاک واقعی کسی است که هم در نظر و هم در عمل به انکار این اصل بپردازد.
- ۱۱ گزینه ۴ پاسخ صحیح است. پرسش شماره‌ی چهار درباره‌ی مبحث معرفت‌شناسی می‌پرسد و چون معرفت‌شناسی بخش ریشه‌ای فلسفه است، سؤالات این بخش از مسائل فلسفه‌ی مضاف بنیادی‌تر است.
بررسی سایر گزینه‌ها:
پرسش اول در فلسفه‌ی جامعه‌شناسی و پرسش دوم در فلسفه‌ی اخلاق و پرسش سوم در فلسفه‌ی تاریخ جای می‌گیرد.
توضیح نکات درسی:
سؤالات فلسفه‌ی مضاف و سؤالات بخش ریشه‌ای فلسفه (معرفت‌شناسی و هستی‌شناسی) همه فلسفی و اساسی هستند، اما سؤالات معرفت‌شناسی و هستی‌شناسی نسبت به سؤالات فلسفه‌های مضاف بنیادی‌تر و اساسی‌تر هستند.
- ۱۲ گزینه ۱ پاسخ صحیح است. یکی از ویژگی‌های انسان، توانایی شناختن است. ما اشیا و پدیده‌های پیرامون خود را شناسایی می‌کنیم و از طریق این شناخت با آن‌ها ارتباط برقرار کرده و از آن‌ها استفاده می‌نماییم.
بررسی سایر گزینه‌ها:
گزینه ۲: این عبارت به امکان شناخت ارتباطی ندارد. ضمن اینکه برخی امور مانند خداوند، برای بشر قابل شناسایی مستقیم نیستند.
گزینه ۳: این عبارت به محدودیت شناخت اشاره دارد، نه نسبت شناخت.
گزینه ۴: این عبارت به خطاپذیر بودن شناخت اشاره دارد، نه این‌که شناخت هرکس فقط نسبت به خودش معتبر است.
- ۱۳ گزینه ۴ پاسخ صحیح است. این جمله که «انسان می‌تواند اشیا را همان‌گونه که هستند بشناسد» به وضوح مطرح می‌کند که شناخت انسان با واقعیت بیرونی مطابق نیست. یعنی آنچه می‌شناسیم دقیقاً خود آن چیز نیست بلکه یک رونوشت از آن است و این شناخت در ذهن ما «ساخته می‌شود». ممکن است در نگاه اول بپندارید این نظر صرفاً همان نظر سوفیست‌ها است و نتیجه بگیرید پس امکان شناخت را هم رد می‌کند. اما توجه کنید که انکار ضرورت تطابق شناخت با واقعیت بیرونی لزوماً به معنای انکار امکان شناخت نیست. بلکه نظرات دیگری از فیلسوفان (نظیر کانت) نیز ممکن است بیان کنند که شناخت ما چیزی ساختنی است، اما اصل وجود یک شناخت مشترک و عمومی را انکار نکنند. برای مثال کانت معتقد است ما اشیا را در قالب یک سری مفاهیم ذهنی که از بیرون گرفته نشده‌اند (نظیر زمان و مکان علیت و ...) می‌سازیم، و شناخت ما عیناً صرف یک تصویربرداری و کپی از جهان خارجی نیست. می‌توانیم معتقد باشیم که شناخت ما در ذهن ما ساخته می‌شود ولی لزوماً به معنای نسبت و انکار امکان شناخت همگانی نباشد. پس گزینه چهارم صحیح است.
- ۱۴ گزینه ۱ پاسخ صحیح است. در گزینه ۱ به سه مسئله از مسائل مربوط به معرفت‌شناسی اشاره شده است: می‌تواند (امکان شناخت) امور محسوس (قلمرو شناخت) قابل تجربه حسی (ابزار شناخت).
گزینه‌های ۲ و ۳ فقط به امکان شناخت اشاره دارند و گزینه ۴ به امکان شناخت و قلمرو شناخت اشاره دارد.

- ۱۵) گزینه ۲ پاسخ صحیح است. تشریح عبارت‌های نادرست:
الف) علی‌رغم گستردگی شناخت و فهم ما از جهان و خود، باز هم شناخت ما بسیار محدود است.
ج) ایمانوئل کانت، فیلسوف قرن هجدهم آلمان و از بزرگ‌ترین فلاسفه اروپاست.
- ۱۶) گزینه ۱ پاسخ صحیح است. سوفیست‌ها به تدریج به این نظر رسیدند که انسان توانایی شناخت حقیقت را ندارد و نمی‌تواند به علمی که مطابق با واقع باشد، برسد.
- ۱۷) گزینه ۲ پاسخ صحیح است. شک در اصل دانستن، به تناقض منتهی می‌شود؛ زیرا نظریه عدم امکان شناخت یا همان شک در اصل دانسته‌ها خود نوعی شناخت است.
- ۱۸) گزینه ۳ پاسخ صحیح است. نتیجه تلاش مستمر بشر برای درک خود و جهان پیرامون خویش دستیابی به دانش‌های مختلف در رشته‌ها و شاخه‌های گوناگون علم است.
- ۱۹) گزینه ۳ پاسخ صحیح است. امکان شناخت امری بدیهی است، اما همین امر بدیهی نیز چه در گذشته و چه در زمان حاضر انکار شده است.
- ۲۰) گزینه ۴ پاسخ صحیح است. هم معنای معرفت و هم امکان رسیدن به آن برای هر انسانی روشن است و شکاکیت مطلق، یعنی شک در اصل دانستن و همه دانسته‌ها، امکان‌پذیر نیست و اگر کسی چنین نظری بدهد، گرفتار یک تناقض شده و همین نظر او با شک مطلق سازگار نیست. در میان گزینه‌های موجود گزینه دوم کل شناخت‌های آدمی را چیزی ساختگی و نامنتطبق با واقعیت می‌داند و بیانگر شکاکیت مطلق است. بررسی سایر گزینه‌ها:
گزینه ۱: شناخت ما محدود است، اما می‌تواند گسترش یابد.
گزینه ۲: شک در توانایی انسان در شناخت برخی امور به معنای شک در خود اصل امکان شناخت نیست.
گزینه ۳: با پیشرفت علم، «برخی» از دانش‌های گذشته باطل می‌شوند.
- ۲۱) گزینه ۴ پاسخ صحیح است. پذیرفتن امکان شناخت سبب پیشرفت پیوسته‌ی دانش بشری شده است که به دو صورت در حال انجام است:
۱- از طریق حل مجهولات و دستیابی به اطلاعات جدید در مورد عناصر و پدیده‌های جهان و گشودن شاخه‌های جدید دانش
۲- از طریق پی بردن به اشتباهات گذشتگان و تصحیح آن‌ها
توجه: انسان وجود اشتباه را به معنای ناتوانی در کسب معرفت تلقی نمی‌کند، در نتیجه اشتباهات در مسیر کسب دانش وجود دارند و امکان شناخت در انسان نمی‌تواند از آن‌ها جلوگیری کند، زیرا یکی از ویژگی‌های شناخت انسان، خطاپذیری است.
- ۲۲) گزینه ۳ پاسخ صحیح است. خطاپذیر بودن شناخت: گاهی متوجه می‌شویم که بعضی از دانسته‌های ما درست نبوده و دچار خطا شده‌ایم. هم‌چنان که گاهی متوجه می‌شویم که افراد مختلف درباره‌ی موضوع واحد، نظرها و باورهای متفاوت دارند و ما می‌کشیم که بدانیم از میان آن نظرها، متفاوت، کدام درست و کدام غلط است.
بررسی گزینه‌ها:
۱) این‌که افراد نظریه‌ها و باورهای متفاوتی دارند، نشان‌دهنده و حاکی از خطاهای شناختی است، نه علت آن.
۲) عبارت موجود در صورت سؤال به خطاپذیری شناخت اشاره دارد، نه توانایی شناخت امور نامحسوس.
۳) ممکن است تا سال‌ها و با وجود رشد دانش، هم‌چنان خطاهای شناختی درست پنداشته شوند و نادرستی آن را پیدا نکنند، زیرا تنها گاهی اوقات متوجه می‌شویم برخی دانسته‌های ما نادرست هستند.
۴) عبارت موجود در صورت سؤال، به خطاپذیری شناخت اشاره دارد، نه تدریجی بودن آن.

۲۳ گزینه ۱ پاسخ صحیح است. پذیرش توانایی انسان بر شناخت امور محسوس و قابل تجربه‌ی حسی نشان می‌دهد که ما نه تنها منکر اصل شناخت نیستیم، بلکه پذیرفته‌ایم که می‌توانیم اشیا و پدیده‌های پیرامون خود را شناسایی کنیم و از طریق این شناخت با آن‌ها ارتباط برقرار کرده و از آن‌ها استفاده نماییم. پذیرش توانایی انسان بر شناخت فقط امور محسوس و عدم امکان شناخت امور نامحسوس بیانگر این است که ما محدوده‌ی شناخت را هم معین کرده‌ایم.

۲۴ گزینه ۴ پاسخ صحیح است. از آن‌جا که بشر به طور طبیعی به امکان شناخت خود و پدیده‌های دیگری باور دارد و وجود اشتباه را به معنای ناتوانی در کسب معرفت تلقی نمی‌کند، از ابتدای زندگی خود روی زمین، برای درک خود و جهان پیرامون خویش تلاش کرده است. نتیجه‌ی این تلاش مستمر، دستیابی انسان به دانش‌های مختلف در رشته‌ها و شاخه‌های گوناگون علم است. همین پیشرفت، خود دلیلی بر توانایی بشر برای رسیدن به معرفت است. این پیشرفت به دو صورت در حال انجام است:

- ۱- از طریق حل مجهولات و دستیابی به اطلاعات جدید در مورد عناصر و پدیده‌های جهان و گشودن شاخه‌های جدید دانش.
- ۲- از طریق پی بردن به اشتباهات گذشتگان و تصحیح آن‌ها، به طور مثال، دانش ما درباره‌ی کیهان و سیاره‌ها پیوسته هم در حال تکمیل و هم تصحیح است.

۲۵ گزینه ۱ پاسخ صحیح است. شناخت محسوس، امور مادی را دبر می‌گیرد. (همه‌ی پدیده‌های جهان مادی که با حواس پنج‌گانه یا ابزارهایی که به واسطه‌ی حواس کار می‌کنند، قابل درک هستند، مثلاً الکترون‌ها، امواج صوتی، اشعه‌ی نور یا رادیواکتیو، فرکانس‌های رادیویی، ستارگان، درختان، سلول‌ها و ...)

موارد «الف»، «ب» و «ه» مربوط به امور محسوس هستند.